

تشیع و نفوذ ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران

علی کریمیان*

چکیده

هر چند در سالیان پس از عصر رنسانس، جهان شاهد هجمه‌های فراوانی نسبت به کارایی دین در حوزه علمی و عملی بوده و ناکارآمدی دین در زندگی جمعی بشر و به ویژه در عرصه امور اجتماعی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته شده است اما به نظر می‌رسد بر اساس شواهد موجود قدرت‌نمایی دین و به ویژه آنچه در تمدن نوین اسلامی و با محوریت جهان تشیع و پرچم‌داری ایران شیعی، به تحقق پیوسته، دارای عناصر فراوانی در عرصه قدرت منطقه‌ای و بلکه قدرت جهانی و بین‌المللی در بُعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است و به نوعی می‌توان بقای این هویت توانمند نوظهور را، وابسته به استمرار حیات ام‌القرای آن یعنی ایران دانست. بر اساس این ایده، تأمین مصالح جهان اسلام وابسته به دفاع از تمامیت ارضی ام‌القرای آن یعنی ایران است و برای تحقق این منظور، مقابله با دشمن در مرزهای کشورهای دیگر برای جلوگیری از ضربه خوردن کانون آن یعنی ایران، اجتناب ناپذیر است. تحقیق پیش رو تلاش دارد تا با روش تحلیل محتوایی به توصیف نقش تعیین‌کننده ایران در قدرت جهانی شیعه در عصر کنونی و ضرورت مراقبت از آن، پردازد.

واژگان کلیدی: ژئوپولیتیک، تشیع، ایران، ام‌القراء جهان اسلام، نفوذ

۱۷۹

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نخست، شماره

بیست و ششم

زمستان ۱۳۹۶

* استادیار گروه معارف و الهیات دانشگاه گیلان، نویسنده مسئول (a.karimiyan110@yahoo.com).

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۲/۸ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۶/۲۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و ششم، صص ۱۹۶-۱۷۹

مقدمه

ژئوپولیتیک، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت و امکان چیره شدن بر رقیب‌ها را می‌دهد. این دانش با درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی و به منظور دستیابی به قدرت جهانی، برای حفظ منافع ملی و تمدنی به کار می‌آید. ژئوپولیتیک دینی یکی از رویکردهای این دانش است و در این میان، قدرت یا همان اقتدار ژئوپولیتیک تشیع، موجی است که سراسر خاورمیانه را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب چالش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این بخش از جغرافیا شده است. مطرح شدن اصطلاح هلال شیعی یکی از ده‌ها اصطلاحاتی است که در زمان کنونی بر اساس توجه به همین واقعیت، شیوع یافته است. بنیاد مذهب تشیع به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، باز می‌گردد و اساس تفکر و اندیشه شیعه همان اسلامی است که آن پیامبر خدا عرضه کرده است. از آنجا که تشکیل حکومت از اهداف استراتژیک پیامبران و امامان شیعه بوده است و اجرای احکام الهی و استقرار آن نیز راهی جز تشکیل حکومت ندارد، شیعیان با گرایش‌های مختلف در هر عصری، این مهم را مطمئن نظر خود قرار داده و به دنبال تحقق آن بوده‌اند و حکومت‌های شیعی متعددی نیز شکل داده‌اند. پرسش اساسی این مقاله این است که در عصر کنونی، اتمسفر و فضای زیستمانی و نیز فضای فکری شیعیان، چه میزان توان رویاروی و ایستایی در مقابل قدرت‌های سیاسی و فرهنگی جهان را دراد و آیا می‌تواند به عنوان یک قدرت نرم نوظهوری، آینده جهان را تحت شعاع خود قرار دهد؟ به نظر می‌رسد با توجه به پراکندگی جغرافیایی شیعیان در مناطق استراتژیک جهان و نیز وجوه سخت-افزاری و نرم‌افزاری متعدد، این مذهب در عصر کنونی دارای قدرت منحصر به فردی شده است که قابل مقایسه با دیگر حکومت‌های دینی یا مذهبی نیست. در این مقاله، برای بیان وضعیت موجود از روش توصیفی و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش علی-مقایسه‌ای استفاده شده است تا با دقت در چیستی ژئوپولیتیک دین و به ویژه

ژئوپلیتیک تشیع، عناصر و ظرفیت‌های پایداری آن در پرتو حکومت ایران، مورد توجه قرار گیرد.

۱. دین و چستی ژئوپلیتیک

واژه ژئوپلیتیک که ابتدا در سال ۱۸۹۹م. توسط دانشمند سوئدی به نام رو دولف کلین وضع شد به بخشی از معلومات حاصله ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست اطلاق گردید. اما از آن زمان تا کنون، همواره این واژه از نظر مفهومی و فلسفی دچار تفاسیر گوناگون بوده و هنوز بر سر ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد تا آنجا که برخی مدعی عدم وجود تعریف عمومی برای آن شده‌اند. با این وجود شاید مناسب‌ترین تعریف ژئوپلیتیک عبارت باشد از درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت به نحوی که بتوان در بالاترین سطح، وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. به عبارتی دیگر ژئوپلیتیک عبارتست از علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل. (عزتی، ۱۳۸۸: ۷). بر این اساس در این دانش مطالعه روابط قدرت‌ها در سطح جهان، بر اساس ظرفیت‌ها و امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار آن‌ها می‌گذارد، بسیار ضروری است. (مجتهدزاده، ۱۳۶۹: ۲۳).

ژئوپلیتیک یک مفهوم کلی است که دارای رویکردها و جنبه‌های تخصصی‌تر بوده و به آن‌ها با پیشوند «ژئو» اشاره می‌شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۴: ۶۶) مانند: ژئواکونومی، ژئوکالچر، ژئوهیدرولیک. در نظم نوین جهانی، عده‌ای در تحلیل ژئوپلیتیک خود، رویکرد انرژی و برخی، مسائل زیست محیطی و گروهی، فرهنگ و بعضی نیز مسائل ژئواکونومی را مورد توجه و تحلیل قرار داده‌اند. یکی از این رویکردها، به «ژئوپلیتیک دین»، موسوم است.

دین یکی از قدرتمندترین عوامل موثر تاریخ بشر است که نقش بسیار برجسته‌ای در تاریخ زندگی بشر ایفاء کرده است. بیشتر جمعیت جهان معتقدند که در برابر گونه‌ای روابط خاص فوق بشری قرار دارند و حتی از اینکه در زندگی، کمک‌های فوق بشری لازم را دریافت کرده‌اند، واقعاً خرسند هستند.

ویلیام جیمز به عنوان یک روان‌شناس دین، معتقد است نقش برجسته دین بر خلاف فلسفه و اخلاق یا هرگونه فعالیت‌های آرمان‌گرایانه و فرهنگی این است که برای افراد

انسانی بالاترین درجه از رضایت را از طریق ارتباط زنده با آنچه وی به عنوان قدرت یا قدرت‌های مافوق بشری این جهان تشخیص می‌دهد را فراهم می‌آورد. (جیمز، ۲۰۰۲: ص ۳۹۴-۳۹۵؛ آذربایجان، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۵)

در واقع دین مجموعه گزاره‌ها و قضایای اخباری ناظر به هست‌ها و انشائی ناظر به بایدها و نبایدها، در مسیر هدایت و کمال بشری است. اگر آموزه‌های آن صادق و مطابق با واقع باشد دین حق تلقی شده و عمل به آن‌ها از اعتبار کافی برخوردار است و در غیر این صورت، دین باطل خواهد بود. دین اسلام، عبارت است از مجموع حقایق (هست‌ها و نیست‌ها) که پیامبر یا امام یا هر آن کس که شأنت لازم را داشته باشد، از آن‌ها اخبار یا انشاء می‌کند. برخی از این حقایق، حقیقتی غیر از سعادت و خیر ندارند و برخی دیگر، حقیقتی غیر از شقاوت و شر ندارند. (ساجدی، ۱۳۸۶: ۵۴)

اما نکته مهم این است که بسیاری از نهضت‌های معاصر به کمک عامل دین، وارد نظام جهانی شده‌اند. عاملی که سال‌های متوالی کنار گذاشته شده بود و ملت‌ها پس از گذر از دوران سراسر مادیت مدرنیته، نیاز شدیدی به این عامل احساس می‌کردند. البته این عاملی بود، که نظم موجود در جهان به شدت از رویایی با آن هراس داشت چرا که دین تا بدان جا جاذبه داشته و دارد که می‌تواند نقش بسیاری از پدیده‌ها و سازمان‌های سیاسی را به تنهایی ایفا کند. چه اینکه دین توان تجهیز و بسیج مردم را به گونه‌ای دارد که در کمتر نهاد سیاسی و اجتماعی دیده شده است. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۲۶). این امور سبب شده تا طی چند دهه گذشته، عامل دین، به عنوان یک قدرت ملی و بین‌المللی که ریشه در نگاه تمدنی به خود و پیروان دارد و به هیچ مرز مشخص جغرافیایی برای پرداختن به پیروان خود قائل نیست، به عنوان یک دغدغه و مشغولیت فکری دانشگاهیان، روزنامه نگاران، افکار عمومی و به خصوص، سیاستمداران و دولت‌ها قرار گیرد. آنان متوجه ویژگی‌های حساس ابعاد فرهنگ و به ویژه فرهنگ دینی ساکنان کشورها شده‌اند. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا و رسانه‌ای شدن فرضیه‌های ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن‌ها» بر حرارت این اهتمام افزود. چه اینکه اموری مانند جهانی شدن و تاثیر آن بر مرزها، نقش دولت‌ها، انتشار اطلاعات، اختلاف فزاینده بین کشورهای شمال و جنوب و بیداری مجدد ملی‌گرایی، به شدت

جهان را متوجه بازگشت به دین کرد. (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۴۹). از سوی دیگر در شروع هزاره سوم، شاهد وقایعی هستیم که انسان‌ها به بهانه دین و به نام خداوند همچون دوران قرون وسطی اروپا در حال خلق فجایع بیشماری هستند. کشته شدن انسان‌های بیگناه و تجاوز به حقوق ملت‌ها، نشانه‌ایی از این واقعیت است که تدین ظاهری به دین اسلام، توانسته موقعیت اتحاد و اجتماع بین گروه‌های تکفیری را فراهم کند هرچند از جهت کارکرد اجتماعی، به خلق یک اجتماع مصمم انجامیده است اما نتوانسته است تمایل آنان به توسعه‌طلبی و سلطه‌گری را ولو به نام دین، از بین ببرد. در هر صورت اثربخشی ادیان بر ساختار ژئوپلیتیک جهان، باید از دو دیدگاه مورد توجه قرار گیرد:

الف) نقش ژئوپلیتیکی ادیان بزرگ نسبت به جهان: هر یک از این ادیان دارای تاثیرات و میدان‌های ژئوپلیتیک ویژه خود هستند و به نظر می‌رسد گسترش دامنه کمی ادیان، می‌تواند به نوعی تثبیت کننده سیطره قدرت آن دین یا مذهب بر جغرافیای مورد نظر باشد و با تسلط بر فضای مجازی، قدرت ایده‌های دینی و مذهبی خود را تثبیت کند. در واقع هویت دینی نقش تقویت کننده‌ای در پدیده‌های ژئوپلیتیک دارد.

ب) تاثیر ژئوپلیتیک ادیان بر هویت ملی (نقش قدرت مذهبی بر هویت ملی): برای نمونه نقش هویت انقلابی تشیع بر غیرت ملی و دفاع از تمامیت اراضی ایران و پیدایش قدرت منطقه‌ای، محل توجه جهان و بلکه معاندان است. این تماس میان این گرایش از اسلام با خودآگاهی ملی ایرانی به سده شانزدهم باز می‌گردد و این پیوند به عوامل مهمی در تعیین رفتار بین‌المللی ایران تبدیل شد.

حاصل آنکه نقش اثربخش دین در قدرت بنیادین جهانی و ملی، عامل محرک تاریخ بوده و باید آن را عامل اصلی اقتدار و قدرت دانست نه عامل فرعی و دست چندی.

۲. ژئوپلیتیک و گسترده‌گی دین اسلام

دین اسلام به عنوان جوان‌ترین دین الهی، توانسته است پس از ظهور خود، در سطح کره زمین فراگیر شود و پیروان بسیاری داشته باشد تا آنجا که تا پایان قرن بیستم میلادی، جمعیت پیروان آن به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است. این امت یک میلیاردی، به طور عمده در آسیا و آفریقا تمرکز یافته‌اند. (بوش و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۲۳). پیرو حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - به طور عمده به دو مذهب شیعه و سنی بخش می‌شوند و

هر یک نیز انشعاباتاتی دارند. شیعیان نه تنها بر این باورند که امام از راه نص شرعی و به انتصاب خاص، تعیین می‌شود، بلکه معتقدند امامان برخوردار از عصمت و علم الهی نیز هستند. امامت امامان با امیر مؤمنان علی علیه السلام آغاز می‌شود و شیعه اثنا عشری، معتقد است آخرین امام، امام دوازدهم یعنی حضرت مهدی علیه السلام است. اما اهل تشیع همه معتقد به دوازده امام نیستند و برخی امامت را در اعداد کمتری، تقلیل داده‌اند. مهمترین فرقه‌هایی که از شیعه منشعب شده‌اند، عبارتند از: دوازده امامی، اسماعیلیه، زیدیه، کیسانیه، واقفیه و فطحیه. هماکنون حدود بیست و پنج درصد از مسلمانان جهان شیعه هستند.

نکته بسیار جلب این است که نه تنها این جمعیت بیش از یک میلیارد نفر مسلمان دارای زبان مشترک یعنی زبان عربی هستند و این خود یک فرصت قدرت‌آفرین است، بلکه جهان در ابتدای قرن بیست و یکم شاهد یک واقعیت قدرت‌آفرین دیگر نیز هست و آن اینکه از هر پنج یا شش نفر افراد جهان، یک نفر مسلمان است و بر اساس اسناد موجود، روز به روز بر پیروان این دین افزوده می‌شود و شاید این ادعا دور از واقع نباشد که جهان در خلال این قرن و حتی پیش از نیمه آن، شاهد این واقعیت شود که یک چهارم یا حتی بیشتر از نوع بشر، مسلمان شوند. همین واقعیت است که حضور جدید جمعیت مسلمان در جهان غرب را برای آن تمدن و نیز تمدن مسیحیت و یهودیت، با چالش روبرو کرده و امروز شاهد هجئه همه جانبه توسط بزرگان این تمدن‌ها در زیر پرچم اسلام هراسی هستیم.

این واقعیت که در نیمه دوم قرن بیستم مهاجرت مسلمانان به غرب و همچنین گرایش به اسلام در دنیای غرب شکل جدیدی به حضور اسلام بخشیده است، قابل تکذیب نیست. به گزارش خبرگزاری صراط:

* در بیست سال گذشته تعداد مسلمان اروپایی حدود ۲ برابر شده است، یعنی از ۲۹/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۴۴/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ رسیده است. حتی برخی آمارها از ۵۲ میلیون نفر سخن می‌گویند.

* بر اساس آمار منابع مورد اطمینان، تا سال ۲۰۲۷ از هر پنج فرانسوی یک نفر مسلمان خواهد بود!

* هم‌اکنون تعداد مسجدها در فرانسه از تعداد کلیساها پیشی گرفته است.

* در دهه گذشته بیش از ۲۰۰۰ مسجد در فرانسه ساخته شده و ۱۵۰ مسجد نیز در حال ساخت است. همچنین گفته می‌شود در دو دهه آینده به ۴۰۰۰ مسجد در فرانسه نیاز خواهد بود.

* در دهه گذشته تنها ۱۰ کلیسا ساخته شده و به خاطر عدم تمایل فرانسوی‌ها برای حضور در کلیساها، مسلمانان این عبادت‌گاه‌های مسیحیان را خریداری و تبدیل به مسجد کرده‌اند.

* در سی سال گذشته جمعیت ۸۹ هزار نفری مسلمانان انگلیس به بیش از ۲/۵ میلیون نفر رسیده است. بیش از ۱۰۰۰ مسجد در انگلیس وجود دارند که تعداد زیادی از آنها قبلاً کلیسا بوده‌اند.

* نیمی از کودکانی که هر سال در هلند به دنیا می‌آیند، مسلمان بوده و چنانچه این روند ادامه یابد، نیمی از جمعیت هلند را در ۱۵ سال آینده مسلمانان تشکیل خواهند داد.

* گفته می‌شود براساس رشد فزاینده اسلام، آلمان تا سال ۲۰۵۰ کشوری مسلمان نشین خواهد بود.

به عنوان نمادی از حضور جمعیتی اسلام در دنیای غرب می‌توان به تنهایی به افزایش مسجد از ۱۲۰۹ مسجد در سال ۲۰۰۰ به ۲۱۰۶ مسجد در سال ۲۰۱۰ در آمریکا اشاره نمود. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی هر پنج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان اسلام را به عنوان یک دین رسمی در کشور اعلام نموده و اسلام نیز جایگاه خود را بخوبی در میان مسلمانان پیدا کرده است. در فرانسه، اسلام پس از مسیحیت دومین دین مسلط و مهم شمرده شده و در انگلستان مسلمانان تبدیل به یک گروه قدرتمند برای نیل به خواسته خود شده و در کشور آلمان مسلمانان ترک، یک لابی سیاسی مهم تلقی می‌شوند. استرالیا خود را همسایه بزرگترین کشور مسلمان دنیا یعنی اندونزی می‌بیند و مساجد، مدارس اسلامی و مراکز قرآنی از بریزبین تا پرت گسترش یافته است (سیمبر، ۱۳۸۰: ۳).

با توجه به این واقعیت که امروز تنها و تنها اسلام است که آموزه‌های آن کارکرد علمی و معرفت‌بخشی و واقع‌نمایی داشته و می‌تواند مدعی و رقیب جدی برای تمدن‌های دینی

رایج در حوزه معرفت‌افزائی و حضور در عرصه معنابخشی علم و دانش و فرهنگ و سیاست و غیره باشد، در حوزه کارکرد عملی نیز، تبدیل به یک قدرت جدی برای رقبای خود شده است. با توجه به ظرفیت‌های خاص اسلام و ارزش‌های نهفته در آن مانند، عدالت‌خواهی، آزادی معقول و مشروع، توجه به علم و دانش، حقوق بشر، دفاع از مظلوم و نوع دوستی و ... این دین در کارکرد سیاسی‌اش توانسته است، نسبت به رقبای خود آثار بیشتری بر جای نهد و در این میان جنبش‌های اسلامی از آن جهت که این شعارها را در عرصه عمل پیگیری می‌کنند، در صدر قرار دارند. دور از واقعیت نیست که ادعا شود، در آینده بسیار نزدیک اسلام به نیروی سیاسی مهم و تعیین کننده‌ای در جهان تبدیل خواهد شد؛ چرا که به نظر می‌رسد مذهب می‌تواند به طور جدی پیروان خود را برای دفاع از اهداف و اعتقاداتشان تا سر حد مرگ بسیج کند. البته ناگفته نماند در مسیر تحقق این هدف، موانع جدی و تأثیرگذاری همچون تحریم‌ها وجود داشته و دارد که به نظر می‌رسد می‌تواند چرخه تحقق این هدف را کند کرده و در مواردی فرسایش دهد اما نخواهد توانست آن را از حرکت بازدارد؛ چه اینکه تحریم‌ها و تأسیس داعش و گروه‌های تکفیری، نشانه روشنی از ترس غرب در گسترش ایدئولوژی جهان اسلام به غرب است و قدرت نرم اسلام راستین به ویژه در حوزه ارزش‌های فرهنگی و سیاست داخلی و خارجی مبتنی بر قرآن است.

۳. ژئوپولیتیک و تشیع

«شیعه» و «تشیع» به در لغت معنای هوادار، مرید، دسته، حزب پیرو، طرف دار و فرقه یا گروهی است که بر امری یک سخن شوند. همچنین هر گاه یک گروهی از یک قوم بر سخن گروه دیگری از آن قوم هم داستان شوند و از دیدگاه آنان پیروی نمایند، بدانها نیز شیعه گویند. در دهه‌های نخست سده اول هجری شیعه به صورت مضاف به کار رفته و همواره با مفهوم پیروی و تبعیت از مضاف الیه خود ارائه شده است؛ نظیر شیعه علی علیه السلام، شیعه عثمان و شیعه معاویه. این از آن روست که یکی از معانی شیعه در زبان عربی «حزب» است و بر همین بنیاد است که شیعه علی علیه السلام در مقابل شیعه معاویه یا شیعه عثمان قرار می‌گیرد. اما در دوره‌های بعد تا به امروز، واژه مزبور غالباً به

تنهایی به کار رفته و مقصود از آن، پیروان امام علی علیه السلام و جانشینان اویند که دوستی اهل بیت علیهم السلام را در دل پرورانده و به امامت آنان معتقدند. مبانی و اصول اعتقادی این مذهب که در عصر نبوی شکل گرفت، بر آیاتی از قرآن و روایاتی از پیامبر و امامان استوار شد. شیعیان در سه اصل اعتقادی و اساسی دین اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد با دیگر مسلمانان به ویژه اهل سنت یک سخن‌اند اما شیعیان به طور ویژه، اعتقاد به سه اصل یاد شده را برای انسان مومن کافی نمی‌دانند و از همین رو دو اصل مهم دیگر به نام «امامت و عدل» را نیز لازمه اعتقاد و ایمان می‌شمارند.

۱۸۷

امامت، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مباحث زیربنایی و عقیدتی و از مفاهیم کلیدی و اساسی در میان فرقه‌های اسلامی در دوره‌های مختلف بوده است. امامت از نظر شیعیان از اصول مذهب تشیع و از منظر اهل سنت از فروع دین است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۰: ۲۶۸ و ۶۳۹؛ همو، ۱۳۶۲: ۲۷۸/۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۱ و ۱۸/۲) متکلمان شیعی، امامت را ریاست دینی و دنیایی بر جامعه خردمندان می‌دانند و معتقدند امام معصوم یا نائب او، تنها کسی است که با انتصاب الهی، حق ولایت و نظارت بر امور اجتماعی را دارد. از همین روست که شیعه امامت را لطف خداوند بر بندگان خود می‌شمارد و موضوع امامت و تعیین امامان را از دایره اختیارات انسانی بیرون شمرده، بر این باور است که این خداوند است که امامان را به واسطه پیامبر تعیین می‌کند و مردم در مقبولیت و تحقق اعمال قدرت و حکومت او نقش دارند. در واقع از دیدگاه تشیع، پس از اتمام نبوت، باب امامت همچنان گشوده است.

شیعیان عدل را نیز یکی از صفات برجسته خداوند دانسته، بر این باورند که خلفای الهی باید در زمین به دنبال گسترش عدل و عدالت باشند و حکومت بر انسان‌ها نباید به دست ظالمان بیفتد و حکومتی که محقق است، لزوماً حق نیست. همچنین شیعیان معتقدند جهان در انتظار ظهور منجی عدل گستری به نام مهدی علیه السلام است که همانند پیامبران و نیز همانند جدش، امیر مؤمنان علی علیه السلام و به اذن الهی، با ریشه‌کنی ظلم، سایه روح‌بخش عدالت را بر سر جهان، گسترش خواهد داد و همه این آرمان‌ها تنها با اراده و همراهی مردم محقق خواهد شد و به اجبار و اعجاز.

از بررسی مجموعه اندیشه‌های تشیع نه تنها می‌توان به این نکته رسید که شیعه یک مذهب کاملاً الهی - سیاسی است بلکه می‌توان این نکته را نیز دریافت که این اندیشه‌های سیاسی شیعه، جنبه انقلابی دارد. آموزه‌هایی چون انتظار و موعودگرایی، اجتهاد و مرجعیت، ولایت و ولایت فقیه، شهادت و ... دارای روح انقلابی هستند و حتی مفهوم «تقیه» که به ظاهر محافظه‌کارانه است، یکی از تاکتیک‌های انقلابی تشیع به شمار می‌آید. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۳۵).

از مجموع مطالب قبل این دانسته می‌شود که تشیع نمی‌تواند در خصوص حکومت داری، به حکومت غیر عادل و انسان ظالم و مستکبر راضی شود و در میان اشخاص عادل نیز، انتخاب مرجوح بر ارجح یا مفضول بر فاضل را غیرمعقول دانسته و بر این باور است که حکومت بر مردم باید به دست ائمه یا فقهای جامع‌الشرایطی باشد که شبیه‌ترین و نزدیک‌ترین اشخاص در صفات علم و عصمت، به پیامبران و امامان هستند. همین امر باعث می‌شود که، شیعیان در مقابل حکومت‌های ظالم و فاسد، سازش کار نباشند و در موقعیت اعتراض به سر ببرند. چون این باور در بین تشیع وجود دارد که عدالت در پرتو ولایت معصوم علیه السلام تحقق می‌یابد، لذا آموزه انتظار در اذهان پیروان این فرقه بسیار پر رنگ‌تر از مذاهب دیگر است. (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۶).

در مقابل مذهب اهل سنت، با پذیرش این اصل که «هر حکومتی که محقق است، حق نیز هست» عملاً راه انقلابی‌گری را بر پیروان خود بسته و همانگونه که از زمان نخستین خلیفه راشدین باب شد، مخالفت با حکومت حاکم اسلامی، حتی اگر او فاسد، ولدالزنا، کافر، مشرک و ... باشد، خروج از دین و موجب جواز قتل او خواهد بود چه اینکه بر اساس همین ایده، حضرت علی علیه السلام وادار به بیعت با خلیفه شدند و حسین بن علی علیهم السلام، از سوی دستگاه قضایی حکومت، متهم به خروج از دین اسلام و محکوم به قتل شد.

با این گفته روشن می‌شود که چرا فرهنگ و باورهای کلامی شیعی، توانسته است به عنوان یکی از منابع قدرت نرم آن، در معادلات نوظهور منطقه و جهان، گسترش بیشتری نسبت به سایر مذاهب اسلامی یافته و خود را در لباس کانون ژئوپولیتیک اسلامی مطرح کند.

۴. جمعیت شیعیان و پراکنش آنها

طبق آخرین آمارها، جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۱۷ میلادی، حدود ۲۴٪ جمعیت ۷/۶ میلیاردی جهان، یعنی ۱/۸ میلیارد نفر بود. نزدیک به ۶۰٪ از مسلمانان جهان در آسیا زندگی می‌کنند. مرکز تحقیقات و پژوهش‌های آمارگیری استراتژیک انگلیس ویژه ادیان و مذاهب و اعتقادات دینی موسوم به «لیوفر» در «ویستمستر» لندن که نزدیک ۲۲۲ دفتر در کشورهای جهان دارد، در ضمن آمارهایی که در سال ۲۰۱۳ آمارهایی ارائه داد، به افزایش بیش از پیش تعداد شیعیان جهان اشاره کرده و آمار شیعیان جهان تا آن سال را، بیش از ۴۰۰ میلیون نفر تخمین زد. این نکته نیز جالب است که حدود ۸۵٪ شیعیان ۱۲ امامی هستند.

اکثریت شیعیان در نقاطی هستند که استراتژیکی‌ترین نقاط جهان و مهم‌ترین آبراهه‌های بین‌المللی (تنگه هرمز - باب‌المندب) در همین نقطه قرار دارد. جایی که شرق و غرب عالم و سه قاره مهم دنیا یعنی اروپا، آسیا، آفریقا را به هم پیوند می‌دهد. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۵۱)

بنابر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد، می‌توان از دیدگاه جغرافیایی جوامع گوناگون، شیعه را به چهار بخش زیر تقسیم‌بندی کرد: الف) شیعیان ب) شیعیان پیرامون ایران (ج) سایر شیعیان آسیا (د) گروه‌های پراکنده شیعه در سایر نقاط جهان. (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲)

۵. فرصت‌های ژئوپلیتیکی شیعیان

مناطق که شیعیان در آن سکونت دارند، از چند جهت قدرت آفرین است: الف) دارای مهم‌ترین منابع عظیم نفت، گاز و کانسارهای جهان هستند و از این رو نقاط استراتژیک طبیعی و جغرافیایی جهان در این مناطق واقع هستند. کشورهای شیعه نشین جهان اسلام مانند ایران و کشورهای خلیج فارس در مرکز جهان اسلام قرار دارند که سه نقطه استراتژیک تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی و تنگه هرمز و جزیره استراتژیک بحرین و همچنین با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز می‌توانند عامل موثر ژئوپلیتیکی باشند. بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده از سال ۲۰۱۰ به بعد، یگانه تولیدکنندگان

عمده نفت جهان کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه ایران، عراق، عربستان خواهند بود و به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد نفت این منطقه از جمله هزینه تولید پایین، ظرفیت تولید بالا، کیفیت مطلوب نفت و ... روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود و می‌تواند به عنوان یک عامل قدرت‌آفرین برای جهان اسلام باشد. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۵۷)

ب) همچنین واقع شدن بر سر تلافی سه قاره مهم، از دیر باز پای قدرت‌های خارجی و بیگانه را به این منطقه باز کرده است زیرا مهم‌ترین محل برای تبادل کالا و تجارت جهانی بوده است. در دوران قدیم تجارت کالا خصوصاً تجارت ادویه و مروارید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و پس از کشف مخازن عظیم نفت در اوایل قرن بیستم میلادی، اهمیت استراتژیکی این منطقه را حیاتی و غیر قابل تصور نموده است. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۵۱)

چنانچه شیعیان از لحاظ قدرت سیاسی به حدی از اتحاد برسند که بتوانند بر منابع نفتی منطقه تسلط یابند، آن گاه است که جهان غرب مجبور است قدرت ژئوپولیتیک تشیع را به عنوان یک قدرت تاثیرگذار جهانی مدنظر قرار دهد. در حال حاضر دولت‌های شیعه مذهب ایران و عراق با داشتن ذخایر فراوان نفتی و تولیدات روزانه بیش از ۵ میلیون بشکه در روز، می‌توانند به عنوان قدرت و تاثیرگذار بر دنیای صنعتی و غرب تلقی گردند.

ج) جمعیت چند صد میلیونی: گذشت که از کل جمعیت مسلمان، جمعیتی حدود ۴۰۰ میلیون نفر (حدود ۲۵ درصد از جمعیت کل مسلمانان) را شیعیان تشکیل داده‌اند. با توجه به اینکه کثرت جمعیت از عناصر قدرت و اقتدار شمرده می‌شود، این فراوانی جمعیت تشیع می‌تواند در معادلات جهانی مورد توجه جدی قرار گیرد.

د) ایدئولوژی انقلابی و پیشرو: ایدئولوژی شهادت طلبی که ملهم از فرهنگ عاشورا است، موجب شده تا تشیع با هر گونه اندیشه کنسرواتیسمی نبرد کرده و از هر گونه تهدید سخت در جنگ سرد واهمه نداشته و عملاً قدرت تهاجمی ابرقدرت‌ها را به هیچ گیرد.

ه) ایدئولوژی انتظار: این ایده نه تنها معترض قدرت‌نمایی ظالمان است بلکه با امید به برپایی جهان بدون ظلم، نیروی مضاعفی به طرفداران خود بخشیده و ایجاد قدرت و امید پویا می‌کند.

و) قدرت مرجعیت شیعی: ایران و عراق به دلیل داشتن مراجع بزرگ تقلید در جهان تشیع و همچنین داشتن مدارس مهم در حوزه‌هایی علمیه نجف، کربلا، قم، مشهد و ... توانسته بسیاری از دانشمندان و بزرگان شیعه در نقاط مختلف خاورمیانه و جهان اسلام و همچنین تعداد کثیری از ملت‌های شیعه مذهب را از لحاظ اعتقادی به خود جذب نماید. با توجه به این مطلب که قدرت مراجع تقلید، یک نیروی فرامرزی است، توانایی بسیج میلیون‌ها مقلد را بدون توجه به ملیت آن‌ها دارد.

ز) قدرت تئوری ولایت مطلقه فقیه: این ظرفیت هر چند در امتداد قدرت مرجعیت است اما تردیدی نیست که حیطة قدرت و نفوذ مرجعیت، عموماً بر احکام مقلدین آن مرجع است و در مسائل حکومتی همه آن‌ها خود را ملزم به همراهی با ولی فقیه که ولایت بر امور جامعه و بلکه جهان تشیه دارد، می‌دانند. این همگرایی شیعی، تا آنجا محل توجه است که اشخاصی مانند فوکویاما آن را به پوشش آهنین و نفوذناپذیر جهان تشیع تشبیه کرده است و معتقد است تا زمانی که تشیع به چنین عقیده‌ای، باور دارد، هیچ جنگ سرد بلکه تهاجم نرمی به سرانجام نخواهد رسید.

ح) قدرت نرم مجامع علمی مانند حوزه و دانشگاه: هر ساله افراد فراوانی از اقصا نقاط جهان برای کسب علوم کلاسیک یا حوزوی، وارد حوزه‌ها و دانشگاه‌های جهان اسلام و به ویژه، مراکز علمی ایران شده و ضمن کسب علوم گوناگون، فرهنگ و انده‌های قدرت‌آفرین اسلام شیعی را آموخته و در کشورهای مبدأ خود، مروج آن‌ها شده‌اند. این قدرت پنهان، در مجموع موجب اقتدار بیش از پیش ایران و به ویژه شیعه خواهد شد. این داشته‌ها که عموماً به دو دسته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شوند، هر چه مورد توجه قرار گیرد و تقویت گردد، قدرت بیشتر و تاثیرگذارتری را به همراه خواهد آورد و باشد باعث خواهد شد که وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در معادلات سیاسی منطقه و جهان افزایش یابد.

۶. رابطه هستی‌شناختی ژئوپولیتیک تشیع با ایران

هر چند کشوری مانند عربستان سعودی با مشاعر مشرفه خود مانند کعبه به عنوان قبله مسلمانان و شیعیان و نیز مدینه به عنوان مدفن پیامبر اسلام و چهار تن از امامان معصوم و بزرگان مورد عنایت شیعیان، و نیز کشوری مانند عراق یا سوریه، به عنوان مدفن اصلی امامان معصوم و امام زادگان، برای شیعیان اهمیت بسیاری دارد، اما با توجه به اتمسفر و فضای زیستمانی و پراکندگی شیعیان، به نظر می‌رسد ایران از نقش مهم‌تری در جغرافیای قدرت جهان تشیع برخوردار است. پراکندگی شیعیان و اهل سنت به خوبی گواه این واقعیت است که نه تنها جمعیت شیعیان نسبت به اهل سنت، کمتر است، بلکه از پراکندگی کمتری نیز برخوردار است و بیشترین تعداد آن‌ها در ایران گزارش شده است. نه تنها ایران از نظر فضای زیستمانی، در مرکز جهان اسلام قرار دارد، بلکه مرکزیت جهان تشیع نیز با ایران است و مذهب تشیع با خصوصیت انقلابی خود، بیش از همه جا در جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کرده و با توجه به پایداری انقلاب اسلامی می‌تواند به عنوان یک عامل ژئوپولیتیکی برای جهان تشیع بلکه برای جهان اسلام و بلکه برای مستضعفان جهان باشد و به عنوان قدرتی الهام‌بخش، در سایر نواحی شیعه-نشین دنیا و دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، ایفای نقش کند و امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است. (توال، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۵) در واقع کمربندی از تشیع که بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان و پاکستان را می‌پوشاند و در کشورهای گوناگون به اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شود، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی خود را به مرکزیت ایران می‌یابد. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۲۳).

دکتر عزتی معتقد است محدوده ژئوپولیتیک جهان اسلام در حال حاضر در چهار بخش کاملاً متفاوت قابل تفکیک و بررسی است که عبارتند از:

۱. مرکز جهان اسلام که منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.
۲. شمال جهان اسلام که شامل آسیای مرکزی و قفقاز است.
۳. غرب جهان اسلام که شامل کشورهای شمال، شمال شرق، و بخش‌های دیگر آفریقا است.

۴. شرق جهان اسلام که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام گسترش می‌یابد.

به نظر وی بررسی ژئوپلیتیکی قلمرو جهان اسلام مشخص می‌سازد که مرکز آن از اهمیتی ویژه برخوردار است، این اهمیت با موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و تاریخی و فرهنگی ایران پیوند می‌خورد و این کشور را به عاملی مهم در صحنه عملیاتی منطقه تبدیل می‌کند. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۹).

خانم افشار در زمینه قدرت شیعی ایران، معتقد است در جنگ سرد منطقه اوراسیا، مرکز جهان یا به عبارتی هارتلند به شمار می‌آید و انتقال انرژی و دسترسی به آن و مفاهیمی از این قبیل رئوس اصلی ژئوپلیتیک شمرده می‌شود. اما بعد از ارائه تز «برخورد تمدن‌ها» از سوی هانتینگتون، شاهد سیاسی شدن هویت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و... بودیم که ژئوپلیتیک تشیع در این چارچوب فکری و استراتژیکی قرار گرفت. با توجه به سطر قبل، ژئوپلیتیک تشیع به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است. از اینجاست که متوجه می‌شویم که ایران چه اهمیت استراتژیکی و فوق‌العاده‌ای است این اهمیت تا آنجایی است که گراهام فولر در کتاب خود ایران را «قبله عالم» و پروفیسور روح الله زمانی ایران را «دو راهی حساس» می‌نامد. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

۷. نقش دفاع برون مرزی در ژئوپلیتیک ام‌القراء تشیع

صریح‌ترین یافته سطور پیشین، این حقیقت است که ایران ام‌القراء جهان تشیع بلکه جهان اسلام است. واژه «ام‌القراء» که کواکبی برای نخستین بار در مورد شهر مکه، به کار برد. از آنجا که وی برای این شهر مرکزیت دینی قائل بود، این شهر را به این نام خواند. بر اساس این نظریه، کشوری که مرکز و ام‌القراء جهان اسلام باشد، نسبت به دیگر کشورها اهمیت و تقدم دارد و همه کشورهای اسلامی، به نوعی موظف به حفظ موجودیت و تمامیت ارضی آن بوده و باید از آن دفاع کنند. منطق این تکلیف نیز آن است که در واقع ام‌القراء، مساوی با کیان و بیضه اسلام است و ضعف و نابودی آن، با ضعف و نابودی کلیت اسلام و کشورهای اسلامی، برابر است. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۷۰؛ سجادی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱)

پس از انقلاب اسلامی ایران، این ایده که ایران ام‌القراء نوظهور جهان اسلام است، متولد و روز به روز در عرصه ایده و بروز میدان، طرفداران بسیاری به خود گرفت. بر این اساس حفظ کیان ملی و تمامیت ارضی ایران، نه بر خود ایرانیان، بلکه بر تمام شیعیان و بلکه بر تمام مسلمانان و حتی بر تمام آن‌هایی که در جهان منتظر ظهور جهان توأم با عدل و برپایی حیاتی طیبه هستند، لازم است. به عبارت دیگر، در تزاخم میان منافع ملی با مصالح مسلمین، مصالح اسلامی و اهداف بلند مدت آن - مانند بدست آوردن اقتدار جهانی برای زمینه‌سازی سعادت جمعی تمدنی یا جهانی - هر چند به طور معمول بر منافع ملی هر یک از کشورهای اسلامی تقدم دارد اما این در صورتی است که بقاء ملتی، نقش حیاتی و هستی‌شناختی نسبت به بقاء و حیات امت اسلام نداشته و آن کشور ام-القراء جهان اسلام شمرده نشود. اگر ایران نقطه مرکزی و کانون اصلی جهانی شدن آموزه‌های جاودانی اسلام ناب با شمشیر منطق است، بنابر این منافع ملی آن نه از آن جهت که ملیت ایرانی دارد بلکه از آن جهت که ماهیت شیعی به معنای اسلام ناب داشته و قلب اسلام راستین است، باید مورد عنایت جدی قرار گرفته و نباید این نقطه ثقل جهان اسلام از حرکت ایستاده و امنیت آن در خطر قرار گیرد.

واقعیت مذکور، نه یافته این تحقیق بلکه مورد اعتراف دوستان و دشمنان اسلام و ایران است و در مطالعات ۱۳۱ صفحه‌ای موسسه راهبردی ارتش آمریکا، به صراحت به آن اشاره شده است. جالب این است که در این نوشتار بدون هیچ مخفی‌کاری، به عامل بوجود آورنده گروه‌های تکفیری و انگیزه آن‌ها اشاره شده است. این تحقیق گویای این حقیقت است که آمریکا و همپیمانان غربی - عربی آن، برای ناامنی حوزه امنیت پیرامونی ایران و نیز نابود ایران شیعی به عنوان ام‌القراء جهان تشیع، این گروه‌ها را راه‌اندازی کرده و تلاش داشتند تا با شکستن جبهه مقاومت، تا سال ۲۰۳۰، کار تشیع را در ایران به پایان رسانده، ایرانی دست‌نشانده خود را به جهان عرضه کنند.

با توجه به آنچه گذشت به روشنی می‌توان دریافت که کشیده شدن خط دفاعی از ایران یا همان ام‌القراء جهان اسلام به مرزهای کشورهایمانند سوریه و عراق، نه تنها یک وظیفه ملی بلکه عامل بقای تشیع و در نتیجه اسلام ناب است و تردیدی نیست که

کوتاهی در این امر موجب خطائی استراتژیک و جبران‌ناپذیر و مهلک در حوزه ژئوپلیتیک اسلام و تشیع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

هر چند که تشیع در طول تاریخ، فراز و فرودهای فراوانی را در قدرت منطقه‌ای و جهانی به خود دیده، اما در عصر حاضر که نظام مقدس جمهوری اسلامی با تکیه بر موازین اصیل اسلامی و با سر دادن شعار اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و با اعتقاد به امامت امامان شیعه از علی علیه السلام تا مهدی موعود عجل الله تعالی، از سوی خداوند تبارک و تعالی سربرآورده و با اهداء خون هزاران شهید گلگون کفن درخت اسلام را آبیاری نموده است، جهان شاهد بالندگی و پویایی نقطه ثقل و تکیه‌گاه مستحکمی برای قدرت شیعی است. این واقعیت تا آنجا مهم است که باید بپذیریم ایران در زمان کنونی ام القرای عالم تشیع بلکه جهان اسلام است و در تراحم میان منافع ملی با مصالح جهان اسلام، حفظ کیان ایران اسلامی در اولویت قرار دارد و اصل است، چرا که با امروز تردیدی نیست که با فرسایش قسمتی از هویت جهان اسلام یا تشیع، به بقای ایران، اسلام راستین و حیات تشیع باقی خواهد ماند اما با نابودی یا انقلاب ماهیت ایران، نه تشیعی باقی خواهد ماند و نه اسلام راستینی.

منابع

آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سیدمهدی، ۱۳۹۴ش، **روانشناسی دین**، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دهم.

بوش، ریچارد و دیگران، ۱۳۸۴، **جهان مذهبی ادیان در جهان امروز**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

توال فرانسوا، ۱۳۷۹ش، **ژئوپلیتیک شیعه**، ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران: آمن.

جعفریان، رسول، ۱۳۷۱، **جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در اسلام**، قم: انصاریان، اول.

حافظ نیا، محمدرضا و سید عباس احمدی، ۱۳۸۸، تبیین ژئوپولیتیک اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان، فصل نامه شیعه شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵، قم، انتشارات شیعه شناسی. حقیقت، سیدصادق، ۱۳۷۶ش، دولت اسلامی و مسئولیت‌های فراملی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.

ساجدی، ابوالفضل، مشکئی، مهدی، ۱۳۸۶ش، جستارهایی در باب دین، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول.

سجادی، سید عبدالقیوم، ۱۳۸۹ش، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: موسسه بوستان کتاب، سوم. سیمر، رضا، ۱۳۸۰، نقش آفرینی در عرصه نظام بین المللی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شوتار، سوفی، ۱۳۸۶، شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، ترجمه سید حامد رضیئی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شیخ صدوق، ۱۴۰۰ق، الأمالی، بیروت: اعلمی، پنجم.

شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.

کلبنی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۵ق، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

عزتی، عزت الله، ۱۳۸۸، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، سوم.

فاضلی نیا، نفیسه، ۱۳۸۶، ژئوپولیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم: شیعه شناسی، اول.

مجتهد زاده، پیروز و سهراب عسگری، ۱۳۸۴، جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک (عمومی و ایران)، انتشارات دانشگاه پیام نور.

مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۶۹، ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشر نی.

مهاجرنیا، محسن، ۱۳۸۲، حیات سیاسی شیعه در عصر غیبت، فصل نامه تخصصی شیعه شناسی، شماره

James, W, 2002, **The Varieties of Religious Experience: A Study in Human Nature**, London: Routledge.